



غربت و مهجوریت قرآن به روایت علامه طهرانی

علامه طهرانی می‌گوید: از میان بردن قرآن، سوزاندن و غرق کردن آن نیست، به عزلت در آوردن به واسطه عدم تدریس و تدریس، عدم تلاوت، عدم رجوع به تفسیر و عدم عمل به احکام آن است.

علامه طهرانی می‌گوید: از میان بردن قرآن، سوزاندن و غرق کردن آن نیست، به عزلت در آوردن به واسطه عدم تدریس و تدریس، عدم تلاوت، عدم رجوع به تفسیر و عدم عمل به احکام آن است. علامه سیدمحمدحسین حسینی طهرانی در جلد دوازدهم کتاب «مطلع انوار» مطالبی را در خصوص عمل به قرآن و عواقب منفی ترک آن بیان کرده‌اند که برخی از فقرات آن بدین شرح است: قرآن کتابی است که احکام آن بر وفق فطرت است، و در عین حال که احکام فطری جعل کرده، آنها را با اخلاقیات توأم نموده است: «و لکم فی القصاص حیوة یا اولی الألباب. (سوره البقرة (2) قسمتی از آیه 179) «ای صاحبان خرد و اندیشه! از برای شما در قصاص، زندگی و حیات است». «و إن عاقبتکم فعاقبوا بمثل ما عوقبتکم به و لئن صبرتم لهو خیر للصابرین.»

(سوره التحل (16) آیه 126) «و اگر شما پاداش عقوبت به کسی می‌دهید، باید عقوبتتان به مقدار و اندازه ای باشد که خودتان عقوبت شده‌اید؛ و هرآئینه اگر صبر و تحمل کنید و از عقوبت صرف‌نظر کنید، البته آن برای صابرین و شکیبایان خوب و مورد انتخاب و اختیار است.»

• علت زنده بودن همیشگی قوانین قرآن قوانین قرآن همیشه زنده است؛ زیرا مطالب آن با سطح علمی هر روز وفق می‌دهد و مانند طب قدیم یا هیئت بطلمیوس نیست که در زمانی منسوخ گردد، و لذا هر چه علم ترقی کند، باز با قرآن منافاتی پیدا نخواهد کرد. علم و قرآن هر دو از یک پستان شیر خورده و در یک دامن تربیت شده‌اند. قرآن در عین حال که مردم را به سوی خدا و آخرت سوق می‌دهد، در تنظیم امور ظاهری و معاش و رسیدگی به نکات و جزئیات، انگشت حیرت به دندان همه گذاشته؛ حتی بزرگانی از اروپایی‌ها اگر قائل به عظمت قرآن گردند، به واسطه همان احکام مدنی و اجتماعی و جزائی قرآن است تا چه رسد به معارف الهیه و تکمیل مراتب اخلاقیه مردم! با کنار گذاشتن قرآن، روزگار عزت و سربلندی مسلمین به دوران ذلت و سرافکنندگی مبدل گشت.

پیغمبر فرمود: ما إن تمسکتم بهما نجیتم؛ ولی امروزه ما مسلمانان قرآن را کنار گذاشتیم. امروز جزء تظاهراتی نسبت به قرآن به عمل نمی‌آید، و آن‌هم درد فرد و جامعه را اصلاح نمی‌کند. امروزه ما به اندازه یک روزنامه که آن را با دقت می‌خوانیم، قرآن را نمی‌خوانیم.

• نظر گلاستون انگلیسی راجع به قرآن علامه در گفتاری دیگر می‌نویسد: «گلاستون، (گلاستون ویلیام اوارت (Gladstone William Ewart) سیاستمدار انگلیسی؛ تولدش در لیورپول در 1809، و مرگش در 1898 میلادی است.

وی رهبر لیبرال‌ها بود و چهار بار به مقام نخست وزیری انگلستان رسید) نخست وزیر یهودی مسلک و صهیونیست انگلیسی که استعمار انگلیس را جان داد، در مجلس اعیان، قرآن را از روی خشم و غضب بر روی تریبون کوفت و گفت: «تا این کتاب در بین مسلمین باشد، امنیت و اطاعت سرزمین‌های مسلمان‌نشین در برابر استعمار انگلیس محال است.»

علامه طهرانی خاطرنشان می‌کند: از میان بردن قرآن، سوزاندن و غرق ساختن آن نیست، انگلیسی‌ها هم، چنین کاری نکردند؛ به عزلت در آوردن به واسطه عدم تدریس و تدریس، و عدم تلاوت و عدم رجوع به تفسیر و عدم عمل به احکام آن است. و در این کار موفق شدند، و قرآن را از صحنه عمل برداشتند.

ما اگر امروز ببینیم در حوزه‌ها - مثلاً قدری در علم اصول آن‌هم در بعضی از مباحث - زیاده‌روی می‌شود، باید به جای آنها درس تفسیر رسمی و درس نهج البلاغه رسمی و درس معارف عالییه را قرار دهیم؛ نه آنکه آنها را حذف نموده و به جایش زیست‌شناسی و علم طبیعی و زبان خارجی قرار دهیم. ما باید در عربیت آن‌قدر توانا و استوار باشیم که گویی زبان اول ما که زبان مادری ماست، عربی است.

بنابراین چقدر خوب است که موشکافی در لغات قرآن و نهج البلاغه بنمائیم و بدین وسیله به قرآن جامه عمل بیوشانیم. این است طریقه ترقی و تکامل، و گونه مانند عبدالناصر، جامعه الأزهر ساختن و پسران و دختران طلبه را با هم فیزیک و شیمی

یاد دادن، عین مرام و منظور گِلادستون می‌باشد؛ گرچه خود ندانیم.

• عمل به قرآن را از بین بردندایشان با ذکر این مطلب که کینه با رسول الله، کینه با قرآن است، می‌افزاید: و عداوت با امیرالمؤمنین و اولادش، عداوت با قرآن است. رسول الله وامیرمؤمنان و ائمه و الاتبار از تبارشان، حقیقت قرآنند. و این مردمان متزف و مستکبر و مغرور عالم ماده و مغمور در وادی شهوات و مست باده جاه و ریاست، چون از بین بردن ظاهر قرآن از دستشان بر نمی‌آید و نیز بر مصلحتشان نیست، و علاوه با از بین بردن حقیقت قرآن (همچون نطق گِلادستون رئیس حزب آزادی‌خواه و صدراعظم و بالا برنده نیروی صهیونیسم در عالم و نیروبخشنده استعمار انگلیس) با از بین بردن عمل به قرآن و الغای قوانین آن در کشورهای مسلمان‌نشین، بهتر به منظور فاسدشان می‌رسند؛ لهذا با وجود خواندن قرآن در رادیوها و مآذنها چنان مردم را در وادی بی‌خبری و غفلت و مدهوشی و مستی سوق می‌دهند که تا بخواهند به هوش آیند و دنبال کلاه تمدی خود بگردند، می‌بینند سیل همه جا را برده؛ نه باغی و نه بوستانی و نه مسجدی و نه مدرسه‌ای و نه زنی و نه فرزندی؛ که ناگهان یک حمله موج واپسین از سیل بر سرشان فرود آمده و خودشان را نیز در دیار نیستی و نابودی فرستاده است.